

## > شوق رزمندگان از اعزام به جبهه ها

وی می افزاید: همین بسیجی در عملیات مطلع الفجر در منطقه عملیاتی گیلان غرب به درجه رفیع شهادت رسید. اما در ادامه بحث اعزام، بعد از آن که چند روزی در تهران معطل شدیم یک روز عصر از طریق بلندگو اعلام شد که برادران برای دریافت ملزومات و تجهیزات و اعزام به مناطق جنگی مراجعه کنند شاید باور نکنید جمعیت آن چنان خوشحال شدند که از شوق فریاد ...اکبر سر دادند.

از تهران به اسلام آباد و منطقه ای در گیلان غرب اعزام شدیم و در آن جا آموزش های مختلف را فراگرفتیم؛ یک روز عصر دیدم که «عباس عظیمی» معلم آموزش و پرورش که روحیه خاصی داشت و اهل دعا و نیایش بود و از طرفی یکی از ورزشکاران برجسته شهرستان محسوب می شد، در میان یکی از تپه ها نشسته و در حال قرائت قرآن است. ناگهان مرا صدا زد و جلوتر که رفتم خطاب به من گفت: خوابی دیده ام و تعبیرش این است که امشب در عملیات شهید می شوم.

خواب دیدم تانک های عراقی به خانه ام حمله کرده اند و درحال خراب کردن آن هستند و من و فرزندانم درمحاصره هستیم و قادر نیستم خود را نجات دهم.

می گفت: مطمئن هستم که شهید می شوم و این سعادت توفیق او شد. شب عملیات در حالی که ارتفاعاتی را فتح کردیم و در حال پیشروی بودیم، فرمانده ما که یک بسیجی نیشابوری بود بر اثر برخورد با تله های انفجاری شهید شد و یکی از رزمندگان آذربایجانی با مشاهده شهادت فرمانده برای آن که خللی در عملیات به وجود نیاید، ... اکبر سر داد و نیروها را به جلو هدایت کرد. در این حال بود که شهید عظیمی هم ... اکبر گویان جلو رفت... بچه های تربت جام خط شکن بودند و حتی برای رفتن به روی مین و باز کردن معبر از یکدیگر سبقت می گرفتند.

## > وقتی ۱۵۰ نفر برای عبور از میدان مین داوطلب شدند

یادم نمی رود در یکی از عملیات ها اعلام شد که چه کسانی مایلند برای باز شدن خط از روی مین ها عبور کنند؛ از ۲۵۰ عضو گردان ما بیش از ۱۵۰ نفر بلند شدند و اعلام آمادگی کردند اغلب آن ها جوانانی بودند که به اقتضای سن و سالشان باید به فکر زندگی آینده شان می بودند ولی شهادت را به مراتب شیرین تر از زندگی می دانستند.

## > شکل گیری گردان امام هادی(ع) لشکر ۵ نصر

او می گوید: در یکی از مراحل بعدی حضور در جبهه، هم دانش آموز سال آخر دبیرستان بودم که به همراه جمعی از دانش آموزان، گردان امام هادی(ع) در لشکر ۵ نصر را شکل دادیم. من در آن ایام شاهد شهادت، مجروح شدن و فداکاری بسیاری از همرزمانم بودم و امروز هم یاد و خاطره همه شهیدان را گرامی می دارم و از آن ها می خواهم که برای ما بازماندگان این قافله هم دعا کنند.

او از شهیدان عباس عظیمی، کاظم رضاییان، نورمحمد مختاریان، محمد آهی، رحیم باقری و جانبازانی چون لایق، گوهری، غلامی، فیروزی و قندهاری یاد می کند و می گوید: خاطرات بسیاری از جنگ و مناطق جنگی داریم؛ چه در کردستان که مردم با صفای کرد با گروه های کومله و دموکرات و فریب خوردگان تجزیه طلب درغرب مواجه بودند و چه در مناطق عمومی جنوب از اهواز گرفته تا حمیدیه و خرمشهر، که تمام این مناطق یادآور رشادت های ایثارگران بود و هست.



## > ژاکت کاموایی که فکر می کردم بمب باشد!

«بذری» ادامه می دهد: یادم می آید که در آن ایام کردستان بسیار ناامن بود؛ برخلاف جنوب که جبهه و خط مقدم و دشمن مشخص بود و دلپره ای نداشتیم ولی در کردستان هر آن ممکن بود که مورد حمله دشمن که با هر لباسی و در هر جایی می توانست حاضر باشد، قرار بگیریم، با لباس بسیجی در شهر مهاباد وارد یک مغازه کتاب فروشی شدم که یک مرد کرد سریع وارد مغازه شد و بسته ای را که داخل روزنامه پیچیده شده بود به من داد و گفت:

این را به رزمندگان بده!

نگرانی و ترس بر من غلبه کرد؛ نکند این بسته مواد منفجره باشد ولی وقتی آن را باز کردم دیدم که یک لباس کاموایی است که بافته شده بود تا در سرمای کردستان تن یک رزمنده را گرم کند. حتی پیرزن های روستایی تخم مرغ ها را جمع آوری و به جبهه ها هدیه می کردند. این رزمنده تربت جامی خاطره ای هم از «دزفول» شهر خون و مقاومت بیان می کند. او می افزاید: دزفول شهر قهرمان پروری بود که هیچ کوچه و برزنی در آن سالم نمانده بود و تمام شهر مورد اصابت موشک های دوربرد عراقی ها قرار گرفته بود. برخی محله ها به تلی از خاک تبدیل شده بود ولی بیشتر مردم در آن جا ماندند و به رزمندگانی که به این شهر مراجعه می کردند، روحیه می دادند و این برای من خیلی جالب بود. وی بااشاره به این که اگر امروز در جای جای میهن اسلامی، امنیت و رفاه و آسایش داریم قطعا به خاطر اعتقادات خالصی است که مردم نسبت به نظام و ولایت و مملکت دارند، گفت: مردم ما اعم از شیعه و سنی و حتی دیگر اقلیت های غیرمسلمان شهید داده اند و در دفاع از کشور دوشادوش هم حرکت کردند، این اتحاد و برادری و تبعیت از رهبری رمز پیروزی و امنیت امروز نظام ماست. وقتی دشمنان سرسپرده و قسم خورده ما این شرایط را می بینند دیگر به خاک ما چشم طمع نمی دوزند. امروز با نگاهی به اوضاع و احوال کشورهای همسایه از جمله عراق، افغانستان، پاکستان، لبنان، سوریه و ... از شمال آفریقا تا غرب آسیا می بینید که امن ترین کشور جمهوری اسلامی ایران است.

وی با اشاره به لزوم اطلاع رسانی و ترویج فرهنگ شهید، شهادت و دفاع مقدس به آیندگان می گوید: جوانان و نوجوانان باید با صاحبان نظام آشنا شوند و برپایی همایش هایی برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره رزمندگان و شهدا در شهرها، روستاها و مدارس می تواند تاثیر گذار باشد.

بذری که ۱۲سال مدیریت و معاونت اداره آموزش و پرورش شهرستان تربت جام را عهده دار بوده است، می افزاید: بهترین شیوه انتقال این رشادت ها و ایثارگری ها به نسل جوان استفاده از زبان هنر است، همچنین فعالیت رسانه ها از جمله روزنامه خراسان در این عرصه موثر است.

متأسفانه گاه فیلم ها و سریال هایی به نام دفاع مقدس و جبهه و جنگ ساخته می شود که در آن به ابعاد ایثارگری ها پرداخته نمی شود لذا باید سعی شود فرهنگ جبهه و جنگ و ایثارگری با بهره گیری از زبان هنر در جامعه نهادینه شود. این ایثارگر به درخواست ما توصیه ای به مسئولان می کند و می افزاید: گاهی خود مسئولان فراموش می کنند که به واسطه خون شهدا سرکار آمده اند، گاهی از ایثارگران فقط در هفته دفاع مقدس یاد می شود ولی به اعتقاد من پیشکسوتان جنگ یادگران پرافتخار انقلاب و انسان هایی با کوله باری از تجربه هستند، پیشتازان عرصه دفاع بوده و هستند و به نوعی باید در بحث های مدیریتی کشور و یا به عنوان مشاور از دیدگاه هایشان استفاده شود. متأسفانه در سال های اخیر این سرمایه های ارزشمند و گران سنگ به فراموشی سپرده شده اند امیدواریم که دولت جدید که شعارش اعتدال است و در عمل هم نشان داده که علاقه مند به افزایش همگرایی بین مردم است، به این موضوع توجه کند و شاهد پرهیز از رفتارهای جریانی باشیم.

